

## آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی در مطبوعات دینی

چکیده: این نوشتار، توصیف و توضیح اجمالی آسیب‌های موجود در مقالات مندرج در مطبوعات دینی، اعم از حوزوی و دانشگاهی است. در این بررسی آسیب‌پژوهانه، پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم دینی و علوم انسانی در ارتباط با دین در نظر بوده است.

نخست جایگاه و اهمیت فرهنگ مکتوب و کارکرد مقاله‌نویسی به گونه ویژه مطالعه، و نه ویژگی برای مقاله و نشریه در مقایسه با کتاب عرضه شده است. در ادامه آسیب‌های مقاله‌های دینی را در هفت محور (پیش‌زمینه‌ها و پیش‌نیازها، انگیزه‌ها و اهداف، زبان و قالب نگارشی، اخلاق پژوهشی، محتوا، فرایند و آسیب‌های مابعدالتحقیق و ضعف مدیریت و پشتیبانی‌های تحقیق) بر شمرده است.

**کلید واژه‌ها:** آسیب‌شناسی، پژوهش دینی، مطبوعات دینی، اخلاق پژوهشی، انگیزه‌ها و اهداف پژوهش، پارس‌نویسی، ساماندهی تحقیق.

\* پژوهشگر، مدرس دانشگاه و مدیر گروه قرآن دفتر تبلیغات خراسان.

۱. گستره مطالعه و بررسی نگارنده در این نوشتار، از جهات چندی محدود است: اولاً ویژه‌مقالات است و ثانیاً فقط مقولات دینی و علوم انسانی.

۲. به‌رغم آنکه چه بسا در نگاه نخست به نظر رسد نگارنده در این نوشتار به راه افراط رفته و نگرشی بدبینانه و منفی‌نگرانه داشته باشد، اما آگاهان و آنان که بیش از این‌بنده دستی از نزدیک بر آتش دارند، می‌دانند که گاه وضعیت ناگوارتر و نگران‌کننده‌تر از این است.

۳. نگارنده اعتراف دارد که آنچه عرضه شده تنها توصیف و شرح دردها و کاستی‌ها است و آنچه بایسته است ارائه راه‌حل‌ها و چاره‌ها است که خود مقوله بسیار بااهمیتی است و هم‌فکری و یاری صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران همه عرصه‌های مرتبط با امر پژوهش و نویسندگی را می‌طلبد. امید داریم این مهم در نگره‌ها و پژوهش‌های دیگر این صحیفه گرامی، گرد آمده باشد؛ یا به گونه‌ای شایسته و همه‌جانبه به همت برنامه‌ریزان عرصه پژوهش و زمینه‌های مربوط محقق گردد.

۴. بی‌تردید ارائه راهکار و راه‌حل نیازمند مطالعه و بررسی همه‌جانبه پیش‌زمینه‌ها و زیرساخت‌ها و موضوعات و مقولات مرتبط با مسئله پژوهش و نگارش است. نیک روشن است که آسیب‌زدایی، بهینه‌سازی و ارتقای سطح کیفی پژوهش و تحقیق، بدون توجه به مقوله مهم آموزش و تربیت و برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های لازم ممکن و میسر نخواهد بود. نیز تأمین و تدارک نیازهای علمی و کتابخانه‌ای و پشتیبانی‌های لازم در این زمینه، نقشی به‌سزا در بهبود وضعیت پژوهش دارد.

در نتیجه آنچه در این نوشتار می‌خوانید، تنها حلقه‌ای از زنجیره «مطالعه و بررسی و آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی پژوهش و تحقیق در کشور» خواهد بود.

### جایگاه و اهمیت فرهنگ مکتوب

جایگاه نگارش و نویسندگی و به‌طور کلی فرهنگ مکتوب در میان همه رسانه‌ها و تربیون‌ها و قالب‌های موجود در عرصه دانش و پژوهش و فرهنگ و اندیشه، بسیار در خور توجه و دارای اهمیت و جایگزین‌ناپذیر است. با وجود تکثر روزافزون رسانه‌ها و قالب‌ها و تحوّل و دگردیسی ابزارها و راهکارهای آموزش و اطلاع‌رسانی و گسترش و توسعه دانش و آگاهی بشری، نقش و جایگاه فرهنگ مکتوب همچنان پایا و مانا و تأثیرگذار است.



با وجود پدیدایی انواع گونه‌گون ابزارهای دیداری و شنیداری، هنری و نمایشی و رسانه‌هایی چونان رادیو و تلویزیون، رایانه، اینترنت، ماهواره، سینما، تئاتر و ...، اشتیاق طبقات مختلف انسان‌ها در میان همه اقوام و ملل به مطالعه میراث مکتوب کهن یا نو، همچنان پابرجا است.

نیز در میان شاخه‌های متعدد فرهنگ مکتوب، نقش ویژه مقاله و مقاله‌خوانی مشهود است. در عرصه فرهنگ مطبوع، جایگاه ویژه مجله و نشریه هرگز کارکرد و تأثیرگذاری و فلسفه وجودی خویش را از دست نداده است. برخی از ویژگی‌های مقاله و نشریه در مقایسه با کتاب را می‌توان چنین برشمرد:

- روزآمد بودن مطالب و رهیافت‌ها به دلیل انتشار زمان مند و منظم.
- ایجاد اشتیاق و انتظار و توقع پیگیرانه بیشتر مخاطبان به دلیل تاریخ مندی.
- امکان عرضه نظرگاه‌های پژوهشگرانی که در عرصه کتاب فعالیت ندارند.
- امکان بهره‌وری از قالب‌ها و روش‌های ژورنالیستی و ایجاد جاذبه بیشتر.
- فراهم آمدن زمینه مقایسه تطبیق دیدگاه‌های گوناگون و ناهمگون.
- تناسب بیشتر با ارائه و عرضه دستاوردهای تحقیقاتی گروهی.
- امکان پرداختن به موضوعات و محورهای متنوع در یک مجلد و ایجاد تنوع بیشتر در مطالب.
- امکان بازتاباندن بازخوردهای علمی و فکری و داوری‌ها و نقدهای اندیشمندان و مخاطبان.
- قابلیت بیشتر برای عرضه و ارائه گمانه‌زنی‌های تحقیقاتی و دستاوردهای پژوهشی و مطالعاتی که نهایی نیستند و نیاز به تکمیل و پردازش بیشتری دارند.
- محورهای یاد شده، یا به‌طور معمول در قالب کتاب محقق نمی‌شوند، یا آنکه به‌طور نسبی در نشریه نمود و بروز بیشتر و پررنگ‌تری دارند؛ هر چند در قالب کتاب نیز امکان تحقق دارند. افزون بر آنچه گذشت، کارکردهای دیگری نیز برای مقاله می‌توان تعریف کرد.
- مقاله در اصطلاح وسیع‌تری که شامل جزوه، تحقیق و پایان‌نامه نیز می‌شود، کاربردهای بسیاری در مراکز آموزشی، پژوهشی و مؤسسات و تشکلهای علمی و فرهنگی کشور ایفا می‌کند. باید توجه داشت که تنها شمار پایان‌نامه‌های مؤسسات آموزش عالی (دانشگاهی و حوزوی) در رشته‌های گوناگون دینی یا مرتبط با دین، هر سال به چند هزار می‌رسد که همه این موارد شرایطی همانند مقاله دارند یا دست کم در بررسی‌های ارائه شده در این نوشتار، با مقاله یکسان دیده شده‌اند.

## آسیب‌های پژوهش

آسیب‌های مطرح در زمینه پژوهش را در یک دسته‌بندی کلی در هفت محور می‌توان مطرح ساخت که ذیل هر یک مواردی ارائه و هر یک به اختصار توضیح داده شده است. برخی از این موارد به گونه‌ای در محورهای دیگر نیز قابل طرح است و به تعبیری آسیب‌های میان حوزه‌ای خواهد بود:

هفت محور کلی یاد شده از قرار زیرند:

۱. پیش‌زمینه‌ها و پیش‌نیازها؛ ۲. انگیزه‌ها و اهداف؛ ۳. زبان و قالب نگارش؛ ۴. اخلاق پژوهشی؛ ۵. محتوا؛ ۶. فرایندها؛ ۷. مدیریت و پشتیبانی.

### ۱. پیش‌زمینه‌ها و پیش‌نیازها

آسیب‌های پژوهشی را که ریشه در اشکالات مرحله پیش‌نیازها و زمینه‌های پیشینی پژوهش دارند در موارد زیر می‌توان برشمرد.

۱-۱. نداشتن آگاهی‌های پیشین: بی‌تردید پژوهش در هر زمینه علمی نیازمند تحصیلات و مطالعات و کسب آگاهی‌های کافی و لازم در آن زمینه و احیاناً زمینه‌های هم‌سو است. با فقدان این شرط لازم و بایسته، پژوهش انجام شده موجودی عجیب‌الخلقه و ناقص‌الخلقه خواهد بود که مخاطبان را گاه به ورطه خطاهای علمی نیز در خواهد افکند.

۱-۲. نداشتن سؤال اصلی: از جمله شرایط لازم برای هر پژوهش دانستن سؤال اصلی است که به مثابه تقیح مناظ و تحریر محل نزاع است؛ امری که سوگمندان در بسیاری از پژوهش‌ها و مقالات، نامشخص، مبهم و ناپیدا است. به نظر می‌رسد در بسیاری از نوشته‌هایی از این دست، این ابهام از ناحیه خود نویسنده است که از آغاز نمی‌داند چه می‌خواهد بگوید و تنها در پی آن است که مطالبی که با موضوع اصلی مقاله ارتباط کلی دارد، سرهم‌بندی کند. پرواضح است که از چنین مقالاتی، هیچ دستاورد روشنی حاصل نخواهد شد.

۱-۳. عدم اشراف بر حوزه پژوهش: در مقالاتی که نگاشته می‌شود، چه از نوع تألیف و گردآوری یا از نوع پژوهش واقعی، اشراف و اطلاع پژوهشگر بر حوزه معنایی و پژوهشی موضوع، پیشینه پژوهش در زمینه آن، منابع زودیاب و دیرباب، آرا و دیدگاه‌های کهن و نوپدید و... باید به اندازه کافی و بایسته باشد. فقدان هر یک از این شرایط، به موازی کاری، ناقص‌اندیشی، بیراهه‌روی و آسیب‌هایی از این دست می‌انجامد. چه بسا آنچه با

ژستی فاتحانه عرضه می‌شود، سخنی باشد که پیش از او کسی یا کسانی گفته و نوشته باشند و چه بسا بهتر و کامل تر.

۴-۱. عدم نیازسنجی و شناخت کافی از مخاطبان: در موارد بسیاری نگرش ذهنیت‌گرایانه نویسنده به جای عینت‌گرایی و حضور در جامعه مخاطبان و نداشتن نیازسنجی و زمینه‌یابی‌های لازم، حاصل دست‌رنج نویسنده را چنان می‌سازد که جز تسوید اوراق، نامی دیگر بر آن نمی‌توان نهاد؛ هرچند به گمان خود انگیزه‌ای رسالت‌محور داشته و از سر درد و دغدغه به پژوهش و نگارش خود دست یازیده است!

۵-۱. نداشتن طرح‌نامه یا مهندسی پژوهشی: عدم استفاده از طرح اولیه برای پژوهش، به سردرگمی خواننده و احساس تهیدستی وی پس از مطالعه اثر می‌انجامد. نداشتن سازواره و انسجام منطقی مطالب و محورها محصول این آسیب است. چه بسا نوشته‌ای مالا مال از نکته و مطالب علمی، به دلیل پراکندگی و نداشتن طرح‌واره، چیزی افزون بر کشکول نویسی نباشد.

۶-۱. کنش‌پذیری و انفعال در نگره‌ها و باورها: یک تحقیق و پژوهش محققانه و آزاد و علمی باید از هر گونه جو‌زدگی، غرب‌زدگی، غرب‌باوری، دگرباوری، دگراندیشی، روشنفکرزدگی، شخصیت‌زدگی و... به دور باشد تا بتوان نتایج و دست‌یافته‌هایی را که در آن عرضه می‌کند، حاصل تحقیق و پژوهش نویسنده دانست. پیش‌فرض‌ها و داوری‌های پیشین با پژوهش آزاد سازگاری ندارد. البته این بدان معنا نیست که جایگاه باورهای پیشین و مبادی و مبانی مشترک نویسنده و خواننده را نادیده انگاریم؛ و گرنه هرگز استدلال و استنتاجی صورت نخواهد بست.

## ۲. انگیزه‌ها و اهداف

۱-۲. خودنمایی و کسب شهرت: از دیرباز تاکنون، انگیزه بسیاری از ارباب قلم، خودنمایی و ریاکاری و کسب شهرت بوده است. این انگیزه که در سطوح فرودست و فرادست نگارندگان وجود داشته و همچنان دارد، ریشه در بنیادها و خاستگاه‌های نفسانی-اخلاقی انسان‌ها به طور عموم و ارباب فضل و دانش به گونه‌ای ویژه دارد. انگیزه یاد شده گاه در نوشته‌ها پیدا و هویدا است و در مواردی در لابه‌لای سطور و صفحات به گونه‌ای شیطنت‌آمیز پنهان و ناپیدا است و تشخیص آن برای خواننده دشوار است. درمان این درد یا مبارزه با این پدیده فرهنگی، نیازمند تلاش‌های فردی و جمعی و سیاست‌گذاری‌های لازم است.

۲-۲. نگاه ابزاری به پژوهش: برخی به پژوهش و تحقیق که خود از ارکان علم است و برخوردار از قداست و ارزش معنوی، نگاهی ابزاری دارند. البته تلاش‌هایی که به منظور کسب رتبه‌های علمی یا احراز رده‌های آموزشی و استخدامی انجام می‌شود، مقوله‌ای جداگانه است.

۳-۲. ابتذال و روزمرگی: بسا پژوهش‌ها و نگارش‌ها که باری به هر جهت و با هدف پر کردن صفحات مجلات و نشریات با نگاهی ساده‌انگارانه عرضه می‌شود و بی‌هیچ احساس مسئولیت و دردی، ابزار مقدس قلم را دست‌مایه متاع ناچیز مادی می‌سازد.

۴-۲. سفارش‌محوری به جای رسالت‌محوری: این آسیب، گریبان‌گیر بسیاری از فرهیختگان و اندیشمندان نیز هست. دست‌اندرکارانی که اقدام به نشر یک مجله یا مطبوعه می‌کنند و به هر روی باید صفحات آن را پر کنند، با فشارها و اصرارهای خود زمینه این آسیب را فراهم ساخته، اندیشمندان را به جای انجام و ارائه پژوهش واقعی و سودمند و دارای فلسفه وجودی، به نگارش مقالاتی کم‌مایه، مصرفی، غیرعمیق و ناپخته وامی‌دارند و بدین سان از شأن پژوهش و پژوهشگر می‌کاهند. سوگمنده این پدیده با تکثر و افزایش شمار نشریات دینی و گسترش مؤسسات علمی و انتشاراتی - که می‌تواند و باید آثار مبارکی داشته باشد و در مسیر صحیح و بایسته گام بردارد - شیوع و رواج بیشتری یافته است. این آسیب خود آسیب‌های دیگری می‌زاید و بازار اندیشه‌ها و آثار لعل‌گون را با خرف‌های بی‌ارزش می‌شکند.

۵-۲. تبلیغات‌گرایی به جای تبلیغ‌گری: بر پایه آموزه‌های دینی و وحیانی آنچه وظیفه و بایسته ارباب دانش و آگاهی است، تبلیغ ارزش‌های حقیقی است. پژوهش دینی نیز آن‌گاه دینی است که در راستای این هدف گام بردارد. آن‌که تبلیغات و ترویج‌گری‌های صنفی، گروهی، شخصی و... را وجهه همت خویش سازد، آیا پا از دایره اهداف واقعی بیرون نگذاشته است؟

واقعیت تلخ این است که بسیاری از تلاش‌های فرهنگی در عرصه مکتوب بیش از آنکه در مقام ترویج دین باشند، در پی تأیید و تحکیم بنیادهای فلان مرکز و نهاد و مؤسسه علمی‌اند. آیا درگیری‌ها و مخاصمات گاه و بیگاه برخی از بنیادهای علمی بر سر حقوق معنوی یک اثر یا یک تلاش علمی - تبلیغی، گواه این دعوا نیست؟

۶-۲. مناسبت‌گرایی: این آسیب را می‌توان تعبیر دیگری از دو آسیب پیشین دانست. مجموعه مقالاتی که به مناسبت برگزاری همایش‌ها و کنگره‌ها و بزرگداشت‌ها و...



سفارش داده یا فراخوان می‌شود و نوعاً فاقد تتبع و امعان نظر کافی یا اساساً فاقد محتوا و ارزش علمی است، مثال زدنی است. همچنین گاه موضوعی که حجم چهار یا پنج مقاله را برمی‌تابد، به دلیل برگزاری فلان گردهمایی یا کنگره، در قالب ده‌ها مقاله پرداخته و نگاشته و عرضه می‌شود و به صورت مجموعه کتاب‌هایی به چاپ می‌رسد که جنبهٔ مصرفی و روزمره دارند، که حتی ارزش کتابخانه‌ای نیز ندارند.

### ۳. زبان و قالب

بخش قابل توجهی از آسیب‌های آثار پژوهشی به قالب‌های زبانی و نگارشی باز می‌گردد. این مشکل از آنجا برمی‌خیزد که در مسیر فراگیری و پژوهش و نگارش، بیشتر پژوهشگران و نویسندگان دینی - اعم از حوزه و دانشگاه - مرحله‌ای را با عنوان دوره‌ها و کارگاه‌های نویسندگی نگذرانده و آموزش ندیده‌اند. اگر کسانی در این عرصه تلاش و تمرین و توان‌آزمایی دارند و به توفیق و مهارتی دست می‌یابند، به گونهٔ خودجوش و انفرادی است و یا نتیجهٔ آزمون و خطاهایی است که در این مسیر پشت سر نهاده‌اند. به هر روی برخی از آسیب‌هایی که در این زمینه دیده می‌شود، از قرار زیر است:

۳-۱. لغافی و زیاده‌نویسی: پدیدهٔ عبارت‌پردازی و بازی با الفاظ در بسیاری از نوشته‌ها دیده می‌شود. گاه مطلبی که با عبارتی ساده و بی‌پیرایه می‌توان عرضه داشت، با شرح و بسط و طول و تفصیل بیشتر ارائه می‌شود و از روی عمد و قصد با کلمات و عباراتی دو چندان بلکه بیشتر ارائه می‌شود. بی‌تردید این پدیده با انگیزه‌ها و اهداف غیرعلمی نیز همراه است که باید خاستگاه‌های روان‌شناسانهٔ آن را جداگانه بررسی کرد.

۳-۲. به زبان قم؛ یا به زبان قوم: به جز مواردی که باید پیچیده و سربسته و نامشکوف سخن گفت تا نامحرمان ندانند و نفهمند، در موارد عادی باید میزان درک و فهم مخاطب را شناخت و به زبان قابل فهم وی سخن گفت. آموزه‌های دینی و شیوه و اسلوب سخن گفتن بزرگان دین و بلکه کتاب‌های آسمانی همواره چنین بوده است. پیامبران نیز مأموریت داشته‌اند تا با مردم به اندازهٔ عقول ایشان سخن گویند. طبعاً زبانی که خواص و حوزویان در مخاطب با یکدیگر می‌فهمند - اما برای مردم نامانوس است - نباید در نوشته‌هایی که برای مردم است، مورد استفاده قرار گیرد. گفتنی است که در این ورطه نیز افراط نباید کرد. در نوشته‌های تخصصی، کاربرد واژگان و مصطلحات ویژه و معمول

رشتهٔ مربوط، امری طبیعی و ناگزیر است که نمی‌توان از آن سر برتافت. چه بسا اگر برابرهای فارسی اما نامعمول و نامعهد، به جای واژهٔ مصطلح متسالمٌ علیه به کار رود، فهم مخاطبان خاص را دشوارتر و دیریاب‌تر می‌سازد. استفادهٔ افراطی از واژه‌های عربی یا عربی‌نویسی افراطی نیز تفاهم و ارتباط میان نویسنده و مخاطب را دشوار می‌سازد تا آنجا که گاه شنونده، پاسخ سؤال خویش را تعقیبات نماز می‌پندارد.

۳-۳. افراط در پارسی‌گرایی و پارسی‌نویسی: در این شکی نیست که در سخن و نوشتار فارسی باید فارسی را پاس داشت. نیز از مغلط‌گویی و پیچیده‌نویسی باید پرهیز کرد؛ اما - چنان که در فصل قبلی گذشت - استفاده از الفاظ مصطلح و متداول و رایج که آگاهان یک رشته علمی - حتی در حد متوسط - با آن به آسانی ارتباط برقرار می‌کنند، نه تنها جایز بلکه اولی و بایسته‌تر است. مثلاً تبدیل «نزول تدریجی» به «فرود آمدن گزینه گزیننه» یا «تطبیق و انطباق» به «برابری و برابر شدن» نه تنها فهم و دریافت مطلب را آسان نمی‌سازد که بر دشواری آن نیز می‌افزاید. با تاسف بسیار، اینک برخی مطبوعات دینی برای گریز از دشوارنویسی و مغلط‌نویسی و زبان خاص علمی، از این سوی بام افتاده‌اند و به پارسی‌گرایی افراطی روی آورده‌اند.

به‌ویژه این مشکل در میان برخی ویراستاران ارجمند نشریات دینی یا حوزوی - که صد البته بایستگی کارشان و ارجمندی تلاششان بر هیچ کس پوشیده نیست - دیده می‌شود.

۴-۳. استفاده افراطی از واژگان بیگانه: تسلط بر زبان‌های بیگانه به‌ویژه زبان انگلیسی برای پژوهشگران دینی و حوزوی، ارتباط و تعامل و هم‌زمانی حوزه و دانشگاه، برگزاری کرسی‌های مشترک، گفت‌وگوهای بین‌الادیان، اهمیت دانش‌های میان‌رشته‌ای، بایستگی آگاهی از دانش‌های جدید در کنار علوم سنتی مانند کلام جدید در کنار کلام قدیم، هرمنوتیک در کنار علم تأویل و تفسیر، زبان‌شناسی در کنار علم لغت و نحو و... هرگز جای تشکیک و تردید ندارد؛ اما بهره‌وری بیش از حد از واژه‌های لاتینی و... در نوشته‌های فارسی حوزهٔ علوم اسلامی هرگز پذیرفتنی نیست. گاهی کار تا بدانجا پیش می‌رود که مجله‌ای که به گونهٔ تخصصی در حوزهٔ فقه انتشار می‌یابد، نخستین مقاله آن «پارادایم‌های فقهی» نام می‌گیرد! به گمان این بنده، انفعال و رنگ‌باختگی‌هایی از این دست هرگز در جهت تحقق اهداف بلند (چونان وحدت حوزه و دانشگاه) قرار نمی‌گیرد؛ بلکه باید چاره را در جای دیگر جست. امروزه با تمام تاسف، گسستی سخت و شکافی ژرف میان اهل حوزه و دانشگاه در این جهت دیده می‌شود که بعضاً نوشته‌های تخصصی یکی برای دیگری مفهوم و قابل استفاده نیست، و به



قولی هر یک ساز خویش را می نوازد. آنچه در این میانه بر او ستم رفته زبان شیرین و فخیم پارسی است که می توانست جامع و رابط و میانجی بین ایشان باشد و صدافسوس که نیست.

۵۳. کلی گویی و آغاز از راه دور: در بسیاری از پژوهش ها شاهد این کاستی هستیم که سخن اصلی و مطلب مقصود را پس از آوردن مقدماتی دور و دراز عرضه می دارند؛ چنان که نیمی از حجم نوشتار یا بیشتر در واقع نقش مقدمه سخن را بازی می کند. در مواردی اساساً اصل سخن که پژوهش به شمار می آید و به اصطلاح حرف نویسنده است، بسیار کوتاه و به تعبیر عامیانه دو کلمه بیشتر نیست، اما با آب و تاب و طول و تفصیل و مقدمه و مؤخره همراه شده تا به صورتی فریبنده شکل مقاله بیابد. این پدیده در دارز مدت بلکه در کوتاه مدت به سلب اعتماد خواننده می انجامد. این آسیب به ویژه در میان تازه کاران و نوقلمان عرصه نگارش و پژوهش بیشتر مشهود است.

#### ۴. اخلاق نگارش و پژوهش

رعایت اخلاق و آداب دینی در پژوهش و نگارش، بسیار مهم است؛ به ویژه در پژوهش های دینی. حسن سلوک با مخاطب، رعایت امانت علمی، رعایت عفت قلم، پرهیز از تعصب و خشم ها و کینه ها در مقام نگارش، پرهیز از ستایش یا نکوهش بی مورد، پاسداشت حق خواننده ... از جمله اخلاق و آداب نویسندگی به شمار می آیند و کوتاهی در باب هر محور نیز آسیب و آفت خواهد بود. از این میان سه آفت را به طور ویژه می توان مطرح کرد:

۴-۱. سرقت های علمی: پدیده سرقت علمی یا ادبی از دیرزمان رایج بوده و نویسندگان غیرمتعهد، غیرامین، سودجو، آزمند و ... بدان دست می یازیده اند. اما در میان متدینان و متعهدان عرصه قلم دینی که دعوی رسالت و دغدغه دین دارند، هرگز پذیرفته نمی تواند بود. جای بسی افسوس است که دست رنج تحقیق و پژوهش یک نویسنده را دیگری بی هیچ ارجاع و یادکرد و حق شناسی، به خویشتن نسبت دهد؛ امری که متأسفانه در میان کسانی که تحقیق و قلم را سکوی پرتاب و پلکان ترقی خویش تصور می کنند، کم و بیش دیده می شود. بزرگان دین و نویسندگان نیک نفس و متعهد، همواره در نقل یک عبارت کوتاه یا حتی یک واژه وام گرفته، به ذکر منبع می پرداخته اند.

گاه وحشتناک تر از این دیده شده است که نویسنده ای یک مقاله یا بخشی از یک مقاله را واژه به واژه و بدون کوچک ترین تغییر و تصرفی سرقت کرده و به نام خود به

صورت مقاله در آورده و به نشریه‌ای وزین سپرده و آن نشریه بی‌خبر از همه جا اقدام به درج آن کرده است. افسوس بیشتر اینکه چنین سرقت رسوایی در حوزه‌ای چونان قرآن پژوهی که قداستی والاتر از هر موضوع دارد صورت پذیرفته باشد.

۲-۴. خودستایی و ریاکاری؛ وانمود کردن این معنا که نویسنده در این زمینه تخصص فراوان دارد و خود را برتر و بالاتر جلوه دادن، از آفات تهدید کننده اهل قلم است.

۳-۴. افراط در نکوهش یا ستایش دیگران؛ گاه نویسنده در مقام ردّ دعوی و دیدگاه مخالف خویش، عنان از کف داده، به توهین و جسارت یا تحقیر و استخفاف دست می‌یازد یا در ایمان و دینداری وی تشکیک می‌کند. این همه از تعصب یا حسادت یا کینه و خشم آلودگی نویسنده حکایت دارد که هر یک از منظر مبانی اخلاق دینی یا انسانی ناپسند است؛ چنان که ستایش بیش از حد نیز با عرف معقول پژوهش ناسازگار می‌نماید.

## ۵. محتوا

آسیب‌های محتوایی مقالات و پژوهش‌های دینی، اهمیت و خطر بیشتری از دیگر آسیب‌ها دارند که جای شکی در آن نیست. افزون بر برخی محورهای قبلی که در واقع آسیب محتوایی محسوب می‌شوند، موارد زیر را می‌توان در این مقوله ذکر کرد:

۱-۵. نداشتن سخن تازه؛ شاید مهم‌ترین آفت نوشته‌های دینی را، نداشتن سخن نو و حرف تازه بتوان ذکر کرد. تکرار مکررات، جمع متفرقات و تفریق مجتمعات و بازنویسی آنچه دیگران بارها و بارها نوشته‌اند، متأسفانه در نوشته‌های بسیاری دیده می‌شود. تالیف و گردآوری به جای تحلیل و پژوهش با تولید نرم افزار دینی فاصله بسیار دارد. در میان انبوه مقالات و نوشته‌ها، بسی اندکند آنان که نگرشی نو، پردازش نو، دستاوردی نو یا اندیشه‌ای نو عرضه کرده باشند؛ چندان که اگر کسی حرف تازه و ارزشمندی نیز در این هیاهوی هولناک عرضه کند، در لابه‌لای دیگر مطالب گم و ناشناخته خواهد ماند.

۲-۵. کلیشه‌گرایی و جموداندیشی؛ روحیه تقلیدگری، بسته‌ذهنی، جموداندیشی، کلیشه‌گرایی و ترس از فهم نو، برداشت نو، استدلال نو، استنتاج نو و نداشتن جسارت لازم و البته مجاز در این عرصه امری است که دست و بال پژوهشگر دینی را می‌بندد و در جازدن پویسگر مسیر دانش و پژوهش را موجب می‌گردد و به‌جای تولید اندیشه دینی، مصرف‌گرایی را وجهه‌همت خود می‌سازد.

## ۶. ضعف پشتیبانی‌های تحقیق

عدم تأمین و تدارک نیازهای اولیه و کتابخانه‌ای، ایجاد تنگنایهای اقتصادی، تنگنایهای زمانی تحقیق، حاکمیت روابط به جای ضوابط، عدم حمایت‌های لازم، خلأ راهنمایی‌های سودمند و حمایت‌گر از محققان، نبود کرسی‌های نظریه‌پردازی، نبود نظارت جدی و دقیق در امر نگارش و پژوهش، بی‌سامانی و پراکندگی مراکز سیاست‌گذار در این عرصه، از مؤلفه‌های مهم و مؤثر در آسیب‌مندی مقوله پژوهش‌اند. در بسیاری از پایان‌نامه‌های دانشجویی، با فقدان استاد صاحب‌نظر و راهنما روبه‌رو هستیم و به ناچار راهنمایی و مشاوره به کسانی سپرده می‌شود که صلاحیت و ورودی در رشته مربوط ندارند، یا اگر دارند، به دلیل نداشتن اهرم‌های کافی یا فرصت لازم، تنگنایهای اداری، راهنمایی و مشاوره‌ای صورت نمی‌بندد، جز نظارتی پوسته‌ای و سمبلیک که باید گفت ضَعْفُ الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ.

## ۷. آسیب‌های مابعدالتحقیق

آخرین بخش از آسیب‌های پژوهش را در عدم حمایت‌ها و ضرورت‌های مرحله پس از انجام تحقیق باید جست‌وجو کرد. نبود حمایت‌های مدیریتی برای تشویق و انتشار و ارزیابی، تقدم روابط بر ضوابط، دخالت دادن گرایش‌های صنفی و جناحی و فقدان روحیه نقد علمی و مسائلی از این دست، تأثیر منفی بسیاری در بهبود وضعیت پژوهش و نویسندگی در کشور گذاشته‌اند.

## سخن پایانی

آنچه اکنون باید بدان پرداخت، ارائه راه‌حل و چاره است که خود مجالی دیگر و مقالی جداگانه می‌طلبد. آنچه تاکنون گذشت نگاهی گذرا به آسیب‌شناسی پژوهش و نویسندگی بود که چه بسا خود از نظر انسجام و ترتیب محورها و فصول، دچار آسیب‌پریشانی بوده باشد؛ یا حتی آسیب‌هایی که از آغاز این نوشتار از آنها یاد شد، شامل حال این نوشتار نیز بوده باشد.